

مالیات، عامل محدود کننده کارآفرینی

سعید لطیفی*^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

چکیده

دولت‌ها می‌توانند با اجرای سیاست‌هایشان ساختار نهادی فعالیت‌های کارآفرینانه را شکل دهند و آنها را نسبت به برخی فعالیت‌ها تشویق و یا دلسرد کنند. مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولتها در بخش کارآفرینی از میان انبوه سیاستها و ابزارهای دولتی، سیاستهایی مانند تأمین مالی، قواعد مالیاتی، تنظیم مقررات تجاری سیاستهای تشویقی در ارتقای نوآوری هستند، دولت‌ها می‌توانند از طریق مالیات با کنترل بازار بر آن تأثیر بگذارند. بسیاری از اوقات دولت‌ها به مالیات بیش از حد متوسل می‌شوند و کشورهایی که سیاست‌های مالیاتی محدودکننده دارند، موجب خروج کارآفرینان می‌شوند. آنچه که مانع بر سر راه تولید توسط کارآفرین می‌شود مالیاتی است که برای کسب و کار، بیمه، مکان تولیدی خود باید پردازد آن هم زمانی که نوپا است و نیازمند حمایت بیشتر است لذا سیاست‌های مالیاتی نباید به صورتی تدوین شود که از یک طرف نارضایتی اقشار مختلف جامعه را در پی داشته و از طرف دیگر باعث افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی شود.

واژگان کلیدی

کارآفرینی، سیاست‌های مالیاتی، حمایت‌های دولتی

۱. مدرس دانشگاه آزاد، واحد پردیس تهران، ایران. (نویسنده مسئول: Latifisaeed93@yahoo.com)

مقدمه

کارآفرینی را می‌توان فرآیندی دانست که افراد درون سازمان‌ها متوجه فرصت‌های بالقوه می‌شوند و عوامل تولید را به طرز خلاقانه‌ای برای ایجاد ارزش جدید سروسامان می‌دهند (ابونوری و متوسل، ۱۳۹۱). عوامل متعددی مانند عوامل اقتصادی، فناوریانه، جمعیت‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و سیاستی وجود دارند که بر سطح و نوع کارآفرینی اثر می‌گذارند. به طور کلی می‌توان این عوامل را به دو دسته مانند عوامل و شرایط مؤثر در توسعه اقتصادی و نهادی دسته‌بندی کرد (امینی و همکاران، ۱۳۸۹). در چند دهه گذشته سیاست‌گذاران دولتی، در جوامع مختلف به دنبال تدوین خط‌مشی‌های کارآفرینی برای رشد اقتصادی بوده‌اند. خط‌مشی‌های دولتی، قوانین و استراتژی‌هایی هستند که دولت برای هدایت و مدیریت برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری و غیره تدوین می‌کند (داوری و رضایی، ۱۳۸۵). دولت‌ها می‌توانند با اجرای سیاست‌هایشان ساختار نهادی فعالیت‌های کارآفرینانه را شکل دهند و آنها را نسبت به برخی فعالیتها تشویق و یا دلسرد کنند. مهمترین ابزارهای حمایتی دولتها در بخش کارآفرینی از میان انبوه سیاستها و ابزارهای دولتی، سیاستهایی مانند تأمین مالی، قواعد مالیاتی، تنظیم مقررات تجاری سیاستهای تشویقی در ارتقای نوآوری هستند (مینیتی، ۲۰۰۵)؛ (چراتچیان و قربانی، ۱۳۹۳)

وجود سیاست‌های مالیاتی مؤثر و کارآمد یکی از عوامل مهم در تحقق اهداف مالیاتی است که علاوه بر اینکه نشان دهنده حاکمیت ملی بوده می‌تواند آثار مختلفی بر سرمایه‌گذاری و توزیع درآمد داشته باشد. البته این سیاست‌ها نباید به صورتی تدوین شود که از یک طرف نارضایتی اقشار مختلف جامعه را در پی داشته و از طرف دیگر باعث افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی شود. از اینرو تدوین این سیاست‌های چندبعدی بسیار دشوار بوده و می‌توان از آن به‌عنوان یکی از مشکلات سیاست‌گذاران اقتصادی یاد کرد (جعفری و منتظر، ۱۳۸۷).

کارآفرینی

کارآفرینی یک مفهوم چندبعدی، چندسطحی و بین‌رشته‌ای است. کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه بر اساس سطح تحلیل، نوع کارآفرینی، محیط‌های فعالیت (خصوصی و دولتی، رسمی و غیررسمی)، نقش آنها در فرایند توسعه و ... تعاریف متعددی دارد. فارغ از این دسته‌بندیها و تعاریف متعدد، کارآفرینی را به‌طور کلی می‌توان هر فعالیت اقتصادی دانست که در آن فرد کارآفرین به دنبال کشف، خلق، ارزیابی و استخراج فرصتها بر اساس انگیزه و توانایی خویش است. در واقع، کارآفرین شخصیتی ریسک‌پذیر است که فرصت و امکان خلق روشها و فنون جدید، بهبود سازماندهی و یا توسعه منابع جدید را به خوبی تشخیص می‌دهد (کانکا^۱، ۲۰۰۳).

واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی *Entrepreneur* که مفهوم تعهد کردن کاری را در بر می‌گیرد، گرفته شده است. کارآفرین کسی است که تعهد می‌کند تا سازماندهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توأم با ریسک است، بپذیرد (کوراتکو^۲، ۲۰۰۱). با شروع قرن هیجدهم این اصطلاح برای فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شد. در این قالب مفهوم کارآفرین، بیش از چهار قرن مسیر تکاملی خود را پیمود. از این زمان به بعد بود که واژه کارآفرین برای فعالیت‌های متنوع و در قالب دیدگاه‌های مختلف مطرح شد (کانکا، ۲۰۰۳). در تاریخ توسعه اقتصادی، اقتصاددانان کلاسیک، همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو نقش مهمی برای کارآفرین در توسعه اقتصادی قائل نبودند. به نظر آنان عوامل تولید،

¹ Kanka

² Kuratko

عبارتند از: سرمایه، ماشین آلات و نیروی کار؛ که به طور خودکار و خود تنظیم توسعه اقتصادی را موجب می شوند (کانکا، ۲۰۰۳). ژوزف شومپتر^۱ (۱۹۳۴ میلادی) اقتصاددان برجسته، کارآفرینی را موتور محرکهی توسعه اقتصادی می داند و از آن تحت عنوان "تخریب خلاق" یاد می کند. این بدان معنی است که کارآفرین تعادل ایستا را در اقتصاد تخریب و تعادل پویایی را که لازمه توسعهی اقتصادی است، ایجاد می کند (مقیم، ۱۳۸۱). رابرت هستریج^۲ (۲۰۰۲) یکی از بهترین تعاریف را در زمینه کارآفرینی ارائه کرده است؛ از نظر او "کارآفرینی فرایند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش لازم برای آن است با فرض همراه بودن ریسک های مالی و رضایت فردی" (پرداختی، ۱۳۸۵) پس با توجه به تعاریف ارائه شده کارآفرینی را می توان شناسایی، خلق و استفاده از فرصت ها در جامعه در قالب ارائه کالاها و یا خدمات، از طریق تأسیس یک سازمان جدید (کارآفرینی مستقل و فردی) و یا در داخل یک سازمان موجود (کارآفرینی درون سازمانی)، تعریف کرد. گرچه دانش موجود در مورد کارآفرینی افزايش یافته است، اما مراحل مختلف کارآفرینی کشورها روند توسعه یافتگی آنها متفاوت است. توسعه کارآفرینی نقش قابل توجهی در رشد و توسعه اقتصادی دارد بصورتیکه امروزه کارآفرینی یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد نوآوری و توسعه اشتغال و رفع بیکاری به حساب می آید. افزایش فرصت های کارآفرینی، افزایش علاقه و انگیزه افراد برای انجام فعالیت های کارآفرینی، ایجاد مکانیزم های حمایت و هدایت کارآفرینانه، بیانگر اقداماتی جهت توسعهی در یک کشور است. این عوامل میتواند افراد را به گونه ای ترغیب نماید که برای انجام فعالیت های کارآفرینانه با میل و اشتیاق بیشتری عمل نمایند.

موانع موثر بر کارآفرینی

شاید بهتر باشد برای رسیدن به عواملی که مانع از کارآفرینی می شود به عواملی که بر کارآفرینی تأثیر می گذارند اشاره کنیم یا بهتر بگوییم عواملی که موجب موفقیت می شوند اگر به درستی اجرا نشوند یا نادیده گرفته شوند می توانند تأثیر سو بر این مهم و در نتیجه تولید داشته باشند. بیشتر بررسی ها شرایط محیطی را به صورت کلی، مانع اصلی می دانند اما ما در این مقاله عوامل دیگری را هم مورد بررسی قرار داده ایم که در ادامه بدان اشاره میشود:

- اولین عامل که هم می تواند مانع و هم تأثیرگذار بر رشد کارآفرینی باشد، عامل سیاسی است که نقش بسزایی در توسعه کارآفرینی در یک منطقه جغرافیایی معین دارند. این بدان دلیل است که سیاستمداران در مورد نوع بازار موجود تصمیم می گیرند. بازار می تواند سرمایه داری، کمونیستی باشد یا برخی کشورها اقتصاد مختلطی را در پیش گرفته اند. هر یک از این سه بازار پیامدهای بسیار متفاوتی در نحوه عملکرد کارآفرینان دارند (کانکا، ۲۰۰۳).
- در دسترس بودن سرمایه: میزان توسعه بازارهای سرمایه یک ملت نیز نقش بسزایی در توسعه کارآفرینی در یک منطقه معین دارد. کارآفرینان برای شروع فعالیت های مخاطره آمیز به سرمایه احتیاج دارند و همچنین در صورت موفقیت آمیز بودن ایده، به سرمایه فوری نیاز دارند تا به سرعت تجارت را گسترش دهند؛ بنابراین، کشورهایی که از لحاظ سیستم تأمین سرمایه به خوبی توسعه یافته اند، یعنی کشورهایی که سرمایه گذاری خطرپذیر، سهام خصوصی و بازارهای سهام و اوراق قرضه آنها دارای رشد خوبی است، درجه بالاتری از رشد اقتصادی به رهبری کارآفرینی را تجربه می کنند (امینی و همکاران، ۱۳۸۹).

¹ Joseph Schumpeter

² Robert Hisrich

- نیروی کار: نیروی کار برای هر نوع محصول یا خدمات یک عامل مهم تولید است. دارایی کارآفرینان به وجود نیروی کار ماهر با قیمت مناسب بستگی دارد اگر هزینه تأمین کارگر بالا باشد باعث افزایش صعودی هزینه های موردنیاز برای تولید می شود و به همین ترتیب بر کارآفرینی تأثیر منفی می گذارد (بیرد، ۲۰۰۳).
 - مواد خام: مواد اولیه متشکل از منابع طبیعی، نیاز اساسی هر صنعت است. در بعضی از کشورها این ماده اولیه با پرداخت قیمت مناسب از طریق بازار در دسترس است. باین حال، در برخی از کشورها کارتل های فروشنده کنترل کاملی بر این منابع طبیعی دارند. آن ها مواد اولیه را با قیمت های تورم می فروشند و بنابراین بیشتر سود کسب شده توسط کارآفرین را غصب می کنند؛ بنابراین، کشورهایی که تأمین مواد اولیه با چنین مسائلی روبرو هستند، به مرور زمان باعث کاهش تعداد فعالیت های کارآفرینی می شوند (کوراتکو، ۲۰۰۱).
 - زیرساخت: برخی از خدمات وجود دارد که تقریباً هر صنعت برای شکوفایی نیاز دارد. این خدمات شامل حمل و نقل، برق و غیره است. از آنجا که این خدمات بسیار اساسی هستند، می توان آن ها را به عنوان زیرساخت موردنیاز برای توسعه هر تجارت نامید؛ بنابراین، کشورهایی که از سیستم زیرساختی کاملاً پیشرفته ای برخوردار هستند، رشد بالایی از کارآفرینی را شاهد هستند و عکس آن نیز صادق است (چراتچیان و قربانی، ۱۳۹۳).
 - عوامل قانونی: کارآفرینان از نظر عوامل مختلفی به قانون وابسته هستند. قدرت سیستم حقوقی تا حد زیادی بر کیفیت کارآفرینی تأثیر می گذارد. سیستم حقوقی باید به صورتی باشد که بتواند کارآفرین را در برابر ورشکستگی، عمل نکردن طرف مقابل کارآفرین بر تعهداتش و... حمایت کند. دلیل این امر آن است که کارآفرینان برای فعالیت به خدمات حقوقی متنوعی نیاز دارند. قانون باید در موقع ثبت شرکت، یا بازگشایی بنگاه اقتصادی و کسب و کارهای کوچک به کمک کار آفرین بیاید و کاغذبازی های اداری را به حداقل برساند تا انگیزه کافی را در اختیار ایشان قرار دهد (ابونوری و متوسل، ۱۳۹۱).
 - مالیات: دولت ها می توانند از طریق مالیات با کنترل بازار بر آن تأثیر بگذارند. بسیاری از اوقات دولت ها به مالیات بیش از حد متوسل می شوند و کشورهایی که سیاست های مالیاتی محدودکننده دارند، موجب خروج کارآفرینان می شوند. آنچه که مانع بر سر راه تولید توسط کارآفرین می شود مالیاتی است که برای کسب و کار، بیمه، مکان تولیدی خود باید پردازد آن هم زمانی که نوپا است و نیازمند حمایت بیشتر است (چراتچیان و قربانی، ۱۳۹۳). لذا یکی از عوامل مهم در بهبود فضای کسب و کار توجه ویژه به بحث مالیات و مطالعات مستمر در این خصوص میباشد تا همواره با اتخاذ سیاست های مناسب شرایط بهبود فعالیتهای اقتصادی بوسیله این ابزار مهم سیاست مالی فراهم گردد. به طور طبیعی، مردم در کمتر کشوری به راحتی به دولت مالیات میپردازند. البته دولت با اختیاراتی که دارد میتواند مالیات خود را از مودیان وصول کند، اما تجربه نشان داده است که اتکاء بیش از حد به قدرت قانونی همیشه نتیجه دلخواه را به بار نمی آورد به ویژه در ارتباط با موضوعی همچون مالیات که یک سر آن به اقتصاد و سر دیگر آن به فرهنگ اجتماعی مردم متصل است (بیرد^۱، ۲۰۰۳).
- بنابراین قوانین مالیاتی باید به گونهای باشد که در جهت شفافسازی اقتصادی، ایجاد بانکهای جامع اطلاعات اقتصادی، تقویت دستگاههای نظارتی در مراحل صادرات و واردات و همچنین کاهش بار مالیاتی بر اقتصاد باشد. در غیر این صورت قوانین مالیاتی باعث عدم شفافسازی در اقتصاد و به دنبال آن افزایش هزینههای مبادله و در نتیجه کاهش میزان

¹ Bird

سرمایه‌گذاری، تولید و کارآفرینی خواهد شد (ابونوری و متوسل، ۱۳۹۱) باید بیان کرد که سیاست‌های مالیاتی اثر نامشخصی بر فعالیت‌های کارآفرینانه دارد؛ یافته‌های برخی از مطالعات نشان دادند که افزایش نرخ مالیات باعث افزایش کارآفرینی در اقتصاد شده اما یافته‌های برخی مطالعات نشان دهنده اثر منفی نرخ مالیات بر فعالیت‌های کارآفرینانه است (بروس و دسکین^۱، ۲۰۰۶) این تفاوت در نتایج را میتوان ناشی از تعریف کارآفرینی در مطالعات مختلف دانست. کارآفرینی در مطالعات مختلف به روش‌های متفاوتی تعریف و اندازه‌گیری شده است. برخی از مطالعات، کارآفرینی را تأسیس یک بنگاه تعریف کرده‌اند. (کارلتون^۲، ۱۹۷۹) در صورتی که برخی از مطالعات دیگر نرخ خوداشتغالی را به عنوان معیاری برای کارآفرینی میدانند؛ و با این تعریف لانگ (۱۹۸۲) بین خوداشتغالی و نرخ مالیات یک رابطه مثبت و معنی دار پیدا کرد. بلاو^۳ (۱۹۸۷) نیز به این نتیجه رسید که نرخ نهایی مالیات اثر مثبت و معنی داری بر خوداشتغالی داشته است. نتایج این دو مطالعه نشان می‌دهد که با افزایش نرخ مالیات، افراد ترجیح می‌دهند که برای خود کار کنند. از طرف دیگر، پویایی کارآفرینی علاوه بر زمینه‌های نهادی و اقتصادی به سطح توسعه اقتصادی نیز وابسته است. از این منظر دیدهبان جهانی کارآفرینی کشورها را به سه دسته (و به ترتیب سه مرحله توسعه اقتصادی) به کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآوری محور دسته‌بندی کرده است. کشورهای منبع‌گرای هستند که دانشی برای نوآوری خلق نمی‌کنند و انتظار بر این است که نرخ خوداشتغالی محور در این کشورها در بخش غیرکشاورزی زیاد باشد. همچنین به دلایل متعدد نرخ کارآفرینی در کشورهای کارایی محور، کاهش و در کشورهای نوآور محور افزایش می‌یابد (آکس و همکاران، ۲۰۰۸)، بنابراین نرخ کارآفرینی در کشورهای مختلف ذکر شده متفاوت می‌باشد.

این باور رایج در میان کارآفرینان و سیاست‌گذاران این است که نظام مالیاتی مانعی برای ایجاد و رشد کسب و کارهای کوچک است. با این حال تا به امروز، شواهد محکم کمی برای حمایت از این تصور وجود داشته است. چندین سال پیش برای تعیین اینکه چگونه کاهش در نرخ‌های مالیاتی نهایی بر رشد شرکت‌های صاحبان انفرادی تأثیر می‌گذارد، تحقیق شد آنها دریافتند که مالیات بر درآمد تأثیر قابل توجهی بر نرخ رشد شرکت دارد. به عنوان مثال، کاهش نرخ مالیات نهایی یک مالک انفرادی از ۵۰ درصد به ۳۳ درصد، به طور متوسط اندازه کسب و کار او را (بر اساس رسیدها) تا حدود ۲۸ درصد افزایش می‌دهد در واقع، نرخ شکست کسب و کارهای کوچک بسیار بالاست (بیرد، ۲۰۰۳). محققین دیگر اثر مالیات بر نرخ خروج از کارآفرینی و همچنین نرخ رشد بنگاه‌هایی را که زنده می‌مانند مطالعه کردند و با نگاهی به تأثیر مالیات بر نرخ بقا، آنها دریافتند که نرخ‌های مالیاتی تأثیر زیادی بر احتمال بقا ندارند (بروس و دسکین، ۲۰۰۶)

با این حال، حتی پس از کنترل تفاوت‌ها در نرخ بقا در میان انواع مختلف کارآفرینان، محققین دریافتند که هرچه کاهش نرخ مالیات نهایی مالک انحصاری بیشتر باشد، اندازه کسب و کار او افزایش می‌یابد. بعلاوه، اندازه و ماهیت اثرات مالیاتی به طور قابل توجهی با مشخصات شخصی کارآفرین یا صنعتی که کارآفرین در آن فعالیت می‌کند، مرتبط نیست (بروس و دسکین، ۲۰۰۶). به طور خلاصه، اثر بازدارنده رشد مالیات بر شرکت‌های انفرادی یک پدیده عمومی و فراگیر است. مالیات بر شرکت‌ها، اقتصاد را با مشکل مواجه می‌کند. دولت‌هایی که مالیات بالایی دارند این نکته را فراموش می‌کنند که ثروت در شرکت‌ها تولید می‌شود و این ثروت به طور مداوم به عنوان پاداش بین کارمندان و سرمایه‌گذاران توزیع می‌شود. با این حال، شرکت‌ها برای تولید ثروت به سرمایه نیاز دارند و این از سرمایه‌گذاران ناشی می‌شود. مالیات

¹ Bruce and Deskin

² Carlton

³ Blao

شرکتی سرمایه گذاران را جریمه می کند و بعداً کارکنان را نیز جریمه می کند زیرا شرکت ها سرمایه گذاری کمتری می کنند یا کشور را ترک می کنند (مینیتی^۱، ۲۰۰۵)

اهمیت مالیات و لزوم توجه به آن

گسترده شدن تعهدات دولت در جهت تحقق اهدافی چون رشد اقتصادی، ثبات قیمت‌ها، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد، مخارج دولتی را با روندی صعودی مواجه کرده است که دولت‌ها را وامیدارد که از طرق گوناگون به تأمین مالی آن اقدام نمایند. در این راستا، مالیات به عنوان یکی از مهمترین راههای تأمین مالی دولتها همیشه مورد توجه بوده است. مالیات از بهترین ابزارهایی است که دولتها توسط آن سه هدف تأمین هزینه‌های خود، تخصیص منابع اقتصادی و توزیع مجدد درآمد را پوشش می‌دهند. (بیرد، ۲۰۰۳). هرچند طی دهه‌های گذشته درآمد نفت بخش عمده‌ای از درآمد دولت را تشکیل داده است، مالیات نیز درصدی از هزینه‌های دولتی را پوشش داده است که میزان این سهم به عنوان یکی از موضوعات اقتصادی قابل بحث می‌باشد. عدم تأمین درآمدهای دولت و ایجاد کسری پیاپی در اثر رشد کند درآمدهای دولت به ویژه مالیات‌ها از پیامدهای همین مسئله است. مالیات مهم‌ترین منبع تأمین مالی هزینه‌های حاکمیتی دولت در هر کشوری محسوب می‌شود (مقیم، ۱۳۸۱). با توجه به اینکه در ایران بودجه دولت متکی به درآمدهای حاصل از فروش نفت و منابع طبیعی است، نقش مالیات در تأمین منابع دولت و اداره آن تاکنون نتوانسته آنچنان که شایسته است پررنگ باشد. با وجود تلاش‌های اخیر دولت در راستای توسعه همه جانبه اشاعه فرهنگ پرداخت مالیات، وابستگی اقتصاد به نفت نقش پرداخت مالیات در ایران را نسبت به دیگر کشورهای پیشرفته کمرنگ کرده است. این در حالی است که برنامه‌های رهایی‌تدریجی از اقتصاد نفتی و نیز برجسته کردن نقش مالیات در اداره امور کشور اکنون بیش از پیش مورد توجه دولت‌مردان و مردم قرار گرفته است. در واقع، درآمدزایی دولت از محل اخذ مالیات بیشتر به توسعه همه جانبه اقتصادی چون رشد فضای کسب و کار، افزایش سطح تولید کیفی، اشتغال و از همه مهمتر جذب سرمایه گذار خارجی در ایجاد پروژه‌ها و طرح‌های سنگین و سبک زیرساختی باز می‌گردد و آنچنان که مشاهده می‌شود مسئولان نسبت به این امر اقدامات وسیعی را در دستور کار قرار داده‌اند

اثر مالیات بر اقتصاد کشورها

برای تقویت رشد و توسعه اقتصادی، دولت‌ها به منابع مالی پایدار برای برنامه‌های اجتماعی و سرمایه گذاری‌های عمومی نیاز دارند. برنامه‌های فراهم کننده بهداشت، آموزش، زیرساخت‌ها و سایر خدمات برای دستیابی به هدف مشترک یک جامعه سعادت‌مند، وظیفه مند و داشتن عملکردی منظم بسیار مهم هستند و برای نیل به این اهداف نیاز است که دولت‌ها درآمد خود را افزایش دهند (ابونوری و متوسل، ۱۳۹۱). مالیات نه تنها مشمول کالاهای عمومی و خدمات می‌شود، بلکه یک عنصر اصلی در قرارداد اجتماعی بین شهروندان و اقتصاد است. نحوه افزایش و هزینه مالیات می‌تواند مشروعیت یک دولت را تعیین کند. همه دولت‌ها به درآمد نیاز دارند، اما چالش این است که نه تنها سطح نرخ مالیات بلکه پایه مالیات می‌بایست با دقت انتخاب شود. دولت‌ها همچنین باید یک سیستم انطباق مالیاتی طراحی کنند که مالیات دهندگان را از مشارکت منصرف نکند (آکس و همکاران، ۲۰۰۸)، داده‌های اخیر نظرسنجی شرکت‌ها برای ۱۴۷ کشور اقتصادی نشان می‌دهد که شرکت‌ها نرخ مالیات را در میان ۵ محدودیت اصلی در عملکرد خود قرار می‌دهند و اداره مالیات را در میان ۱۱ محدودیت اصلی، در نتیجه نرخ مالیات و اداره مالیات هر دو موانعی برای تجارت محسوب می‌شوند نرخ مالیات از

¹ Minniti

جهت سرمایه گذاری و رشد برای کسب و کارها بسیار مهم است. در مواردی که نرخ مالیات بالا است، کسب و کارها و شرکت‌ها بیشتر تمایل دارند تا از شکل رسمی کار خارج شوند. مطالعات نشان می‌دهد نرخ بالای مالیات در رابطه مستقیم با میزان کمتر کسب و کارهای رسمی و رقم پایین تر سرمایه گذاری شخصی و خصوصی، قرار دارد. (بروس و دسکین، ۲۰۰۶)

نقش دولت در شکل گیری فضای کسب و کار

نقش اصلی دولتها در اقتصاد تنظیم مقررات و قوانین موجود در کشور در زمینهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... میباشد. در هر کشوری دولت دارای ضوابط و مقررات خاصی است که تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن ضوابط مصروف میکند. برخی از دولتها در تمام زمینه های موجود دخالت میکنند و مقررات بسیار زیادی اعمال میکنند و از این جهت اختیارات را از بخش خصوصی میگیرند و خود را در تمام جنبه‌ها درگیر میکنند. دخالت بیش از حد دولت کارایی را در اقتصاد کاهش میدهد و هر چه بخش خصوصی آزادتر باشد و دولت قوانین مداخله گرایانه کمتری را در پیش رو داشته باشد بهتر میتواند به فعالیتهای خود ادامه دهد. (میدری، ۱۳۸۸). عامل دولت، قوانین مربوط به بودجه دولت، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های دولتی، دخالت و نفوذ دولت در هزینه‌ها، مالیات و ... را که تأثیر انکارناپذیری در اقتصاد دارد را اندازه گیری میکند. پیشبینی میشود کشورهایی که سطح هزینه و مالیات در آنها کمتر است دارای نمود رشد بهتر نسبت به کشورهایی باشند که سطح هزینه مالیات در آنها بالا است. همچنین هر چه قوانین و مقررات دست و پاگیر اداری بیشتر باشد آن کشور از رقابت جهانی فاصله بیشتری میگیرد چراکه در این شرایط شرکتها به راحتی نمیتوانند تجارت کنند و سطح رقابت در آنها کاهش می‌یابد. دولتها با تنظیم سیاست‌های مالیاتی مهمترین نقش را در اقتصاد ایفا میکنند. دولتها با افزایش و کاهش دادن نرخ مالیات و افزایش و یا کاهش مالیات بخشهای مختلف اقتصادی میتوانند تعادل را در اقتصاد بوجود آورند (علوی منش، ۱۳۸۸).

نتیجه گیری

برای تقویت رشد و توسعه اقتصادی، دولت‌ها به منابع مالی پایدار برای برنامه‌های اجتماعی و سرمایه گذاری‌های عمومی نیاز دارند یکی از عوامل مهم در بهبود فضای کسب و کار توجه ویژه به بحث مالیات می‌باشد تا همواره با اتخاذ سیاستهای مناسب شرایط بهبود فعالیت‌های اقتصادی بوسیله این ابزار مهم سیاست مالی فراهم گردد، اما یک باور رایج در میان کارآفرینان و سیاستگذاران این است که نظام مالیاتی مانعی برای ایجاد و رشد کسب و کارهای کوچک است. تحقیقات مختلف نشان داده است که هرچه کاهش نرخ مالیات نهایی مالک انحصاری بیشتر باشد، اندازه کسب و کار او افزایش می‌یابد لذا پیش‌بینی میشود کشورهایی که سطح هزینه و مالیات در آنها کمتر است دارای نمود رشد بهتری نسبت به کشورهایی باشند که سطح هزینه مالیات در آنها بالا است؛ بنابراین قوانین مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که در جهت شفافسازی اقتصادی، ایجاد بانکهای جامع اطلاعات اقتصادی، تقویت دستگاههای نظارتی در مراحل صادرات و واردات و همچنین کاهش بار مالیاتی بر اقتصاد باشد. در غیر این صورت قوانین مالیاتی باعث عدم شفافسازی در اقتصاد و به دنبال آن افزایش هزینه‌های مبادله و در نتیجه کاهش میزان سرمایه گذاری، تولید و کارآفرینی خواهد شد.

منابع

ابونوری، عباسعلی؛ متوسل، شهرزاد (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حقوق مالکیت کارآمد و مالیات بر کارآفرینی در اقتصاد کشورهای منتخب و ایران، پژوهشنامه مالیات، ۱۶: ۱۸۹-۱۶۳.

- امینی، زهرا؛ امانی تهران، محمد؛ ابراهیم سقرچی، محمد (۱۳۸۹). شناسایی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی با رویکرد زنجیره ارزش، فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی، ۱۴: ۳۵-۴۷.
- پرداختچی، محمد حسن؛ شفیع زاده، حمید (۱۳۸۵). درآمدی بر کارآفرینی سازمانی، تهران، انتشارات ارسباران.
- جعفری، نیلوفر؛ منتظر، غالمعلی (۱۳۸۷). استفاده از روش دلفی فازی برای تعیین سیاستهای مالیاتی کشور، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، ۷: ۹۱-۱۱۴.
- چراتچیان، ایمان؛ قربانی، سعید (۱۳۹۳). تحلیل آثار سیاستهای پولی و مالی بر کارآفرینی (با تاکید بر بخش زنان)، توسعه کارآفرینی، ۴: ۷-۷۹۳.
- داوری، علی؛ رضایی، حمیدرضا (۱۳۸۵) نقش دولت و خط مشیهای دولتی در توسعه کارآفرینی، علوم: ۲: ۱۰۹-۱۲۹
- علویمنش، سیدمحسن (۱۳۸۸). گزارش بررسی چالشهای فضای کسب و کار، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- مقیمی، سید محمد. (۱۳۸۱)، کارآفرینی موضوعی میان رشته ای و فراگیر، ماهنامه بازاریابی، ۲۲:
- میدری، احمد (۱۳۸۸)، مطالعه و بررسی فضای کسب و کار و ارائه برنامه عمل جهت بهبود آن در ایران (مطالعه موردی سازمان تأمین اجتماعی)، تهران: انجمن مدیران صنایع، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن.
- Acs, Z. J., and S. Desai and J. Hessels, (2008). Entrepreneurship, Economic Development and Institutions, Small Business Economics,
- Bird, Richard (2003), "Administrative Dimensions of Tax Re-form", Draft Module Prepared for Course on Practical Issues of Tax Policy in Developing Countries, World Bank, Washington, D.C., April 28-May 1.
- Blau, D. M. (1987). A Time-Series Analysis of Self-Employment in the U.S. Journal of Political Economy, 25, 445-467.
- Bruce, D and J. Deskin, (2006). State Tax Policy and Entrepreneurial Activity. U.S. Small Business Administration.
- Carlton, D. (1979). Why New Firms Locate Where They Do: An Econometric Model. Washington, D.C.: The Urban Institute: Interregional Movements and Regional Growth
- Kanka.S (2003) Entrepreneurial Development. New Delhi: C hand and company Lt, pp. 1-14.
- Kuratko Donald and H., Richard (2001) Entrepreneurship: a contemporary approach Philadelphia. Harcou College Publishers.
- Long, J. E. (1982). The Income Tax and Self-Employment. National Tax Journal.
- Minniti, M. (2005). Entrepreneurship and Network Externalities. Journal of Economic Behavior and Organization, 57, 1-2

Taxes, the limiting factor of entrepreneurship

Saeed latifi *¹

Date of Receipt: 2019/11/01 Date of Issue: 2020/01/20

Abstract

By implementing their policies, governments can shape the institutional structure of entrepreneurial activities and encourage or discourage them from certain activities. The most important tools of government support in the entrepreneurship sector Among the many government policies and tools, policies such as financing, tax rules, business regulation, incentive policies to promote innovation, governments can influence it through taxes with market control. Governments often resort to over-taxation, and countries with restrictive tax policies drive out entrepreneurs. What hinders the entrepreneur from producing is the tax he has to pay for his business, insurance, place of production when it is young and needs more support, so tax policies should not be formulated in such a way that on the one hand Dissatisfaction leads to different sections of society and on the other hand increases unemployment and reduces economic growth.

Keyword

Entrepreneurship, tax policies, government support

1. Lecturer of Azad University, Tehran Campus Branch, Iran. (*Corresponding Author: Latifisaeed93@yahoo.com)